

فصلنامه سیاست خارجی
سال سی و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۵۲-۳۳

۲

قفقاز و چالش‌های افراط‌گرایی

محسن پاک‌آیین^۱

^۱ محسن پاک‌آیین، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان (۱۳۹۱-۱۳۹۵)

mosenpak@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۵

چکیده

سابقه افراط گرایی در قفقاز به بعد از عصر تزاریسم در روسیه و همچنین پس از استقلال جمهوری‌های قفقاز جنوبی در اواخر قرن بیستم برمی‌گردد. در این دوران اتحاد جماهیر شوروی با هرگونه آزادی دینی در منطقه قفقاز مقابله می‌کرد و همین امر باعث عکس‌العمل تند مسلمانان بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گردید. به دنبال این تحول، یک خلاء اعتقادی در میان کشورهای حوزه قفقاز ایجاد شد و پس از رفع محدودیت‌های مذهبی، فرصت مناسبی برای اسلام‌گرایان جهت ایجاد ارتباط با مسلمانان منطقه از جمله گروه‌های افراط‌گرا که در روسیه مستقر بودند فراهم گردید. مشکلات اقتصادی-اجتماعی در جمهوری‌های شمال قفقاز از جمله بیکاری، کاهش درآمدها، کم‌سودای و ناآگاهی نسبت به فرقه و هابیت، موجب نفوذ رادیکالیسم در جوامع قفقاز گردید. این شرایط فضای مناسبی را برای شکل‌گیری شبه‌نظامیان جدید در شمال قفقاز به وجود آورد و گروهی از مسلمانان با تفسیری افراطی از اسلام، وارد فعالیت‌های مبارزاتی شدند. این گروه‌ها بارها از سوی افراطیون خارجی بخصوص گروه‌های مستقر در عربستان، سوریه و عراق مورد حمایت قرار گرفته و موفق شدند تفکر منحرف خود را به دیگر مناطق مسلمان‌نشین روسیه نیز منتقل نمایند. جمهوری آذربایجان به عنوان بخشی از حوزه قفقاز که در مجاورت اسلام‌گراهای افراطی جمهوری داغستان و چین قرار دارد، نیز امروز توسعه افراط گرایی فرقه‌ای و مذهبی را باور کرده است. این مقاله در مقام تحلیل و بررسی سابقه و چگونگی رشد افراط گرایی و نقش آن در امنیت قفقاز و علت وجودی خشونت و بی‌ثباتی در منطقه از جمله رشد تهدیدهای تروریستی در روسیه و جمهوری آذربایجان و میزان پذیرش جوامع این منطقه برای همکاری با تروریست‌ها می‌باشد.

▪ واژگان کلیدی:

افراط گرایی، تکفیریون، قفقاز، جمهوری آذربایجان، روسیه، ایران

مقدمه

در سال‌های اخیر و بخصوص پس از ظهور افراط‌گرایی در غرب آسیا، آثار و علائمی از نفوذ تفکرات افراطی در منطقه قفقاز مشاهده می‌شود. اعزام گروه‌های افراطی سلفی و تکفیری آذری به سوریه و عراق و نفوذ اندیشه‌های افراطی در میان مسلمانان روسیه بخصوص در جمهوری‌های خودمختار قفقاز شمالی مانند داغستان، توجه دولت‌های مسکو و باکو به خطر افراط‌گرایی را جلب کرده است. در این میان برخی کشورهای عرب همچون عربستان سعودی و چند کشور غربی از جمله آمریکا، برای تحقق اهداف خود در قفقاز شمالی و بخصوص تضعیف و بی‌ثبات‌سازی روسیه، حمایت از گروه‌های افراطی و تجهیز و آموزش آنان را در سرلوحه اولویت‌های امنیتی خود قرار داده‌اند. در کنار دخالت‌های خارجی، وجود زمینه‌های مساعد داخلی بویژه در جمهوری آذربایجان و محدودیت‌های ایجاد شده برای مسلمانان، نفوذ تفکرات افراط‌گرایانه در قفقاز را امکان‌پذیر کرده است. جریان افراطی وهابیت در سال‌های اخیر در قفقاز فعال بوده و با حمایت مالی و سیاسی برخی از کشورهای عربی فعالیت می‌کند.

اهمیت ژئوپلتیک قفقاز و منافع بازیگران در این منطقه، ضرورت شناخت وضعیت افراط‌گرایی در قفقاز را مهم جلوه داده و مجاورت این منطقه با جمهوری اسلامی ایران نیز بر اهمیت پرداختن به این موضوع افزوده است.

پرسش اول این مقاله این است که آیا کشورهای حوزه قفقاز نیز همانند کشورهای غرب آسیا، دستخوش درگیری با گروه‌های افراطی و تندرو خواهند شد و آیا منطقه قفقاز در آینده به یک منطقه بحران‌خیز تبدیل شده و محل جولان گروه‌های تروریستی تکفیری خواهد بود؟

پرسش دوم نیز حول چگونگی مقابله دولت‌های منطقه با پدیده افراطی‌گری است.

چگونه این کشورها می‌توانند از رشد افراطی‌گری در منطقه قفقاز جلوگیری کنند؟

علل نفوذ افراط‌گرایی در قفقاز

اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی و در واقع تصرف بخش‌های بزرگی از یک سرزمین اسلامی از سوی کمونیسم جهانی، اولین دلیل برای روی آوردن گروه‌های اسلامی به اقدامات جهادی بود. این وضعیت با حمایت عوامل خارجی، به تدریج زمینه‌های سازماندهی و تشکیل گروه‌های رادیکال همچون القاعده را فراهم کرد. در این روند، عربستان سعودی نیز با حضور گسترده مالی، دیدگاه‌های تند وهابی را وارد چارچوب فکری جریان‌ات اسلام‌گرا در افغانستان نمود. برقراری تماس میان اسلام‌گرایان تندرو در افغانستان با گروه‌های مسلمان در قفقاز و ماورای قفقاز، موجب تقویت تفکرات افراطی در این منطقه گردید. البته مسئله چین و روسیه، نه یک موضوع مربوط به دهه‌های اخیر یا حتی سده اخیر، بلکه موضوعی تاریخی است که در دروان تزارها نیز مطرح بوده است. از سده هجدهم و از هنگام جنگ‌های ایران و روس، نبرد چین‌ها و روس‌ها آغاز شد. نبرد بزرگ آوارهای داغستانی به رهبری "شیخ شامل" در برابر روس‌ها و همراهی آنان با چین‌ها هنوز در حافظه تاریخی روس‌ها و مسلمانان زنده است. پس از دستگیری شیخ شامل در سال ۱۸۹۵ و تکمیل سلطه روس‌ها بر منطقه و سرکوب شدید چین‌ها، آنها پایداری و مقاومت خود را ادامه داده و از هر فرصتی برای نجات خود از سلطه روس‌ها و شوروی و سپس روسیه استفاده کردند. امروز از مسلمانان چین به عنوان تندروهای اسلامی و گاهی عناصر وهابی یاد می‌شود، ولی واقعیت این است که این برچسب‌ها برای بیشتر اسلام‌گرایان چین نامناسب است. در واقع این سیاست‌های ضد اسلامی و غیر دموکراتیک مسکو و دولت‌های محلی بود که عامل اصلی خشونت در چین گردید. از نگاه تاریخی، روس‌ها همواره علیه مسلمانان بوده‌اند و اگر در برهه‌هایی با مسلمانان به نرمی برخورد کرده‌اند، بنا به ضرورت تاریخی بوده و گاهی نیز روس‌ها از مسلمانان علیه مسلمانان استفاده کرده‌اند و هم اکنون نیز از مسلمانان چین، اینگوش، بالکار، داغستان، تاتارستان علیه یکدیگر استفاده می‌کنند.^۱ سوء استفاده عربستان سعودی و وهابیت از جنگ چینی‌ها با دولت روسیه، که موجب تقویت حضور افراطیون در قفقاز گردید، نتیجه سیاست‌های نادرست روسیه در قبال

^۱ رویارویی روسیه با چین: زندگی در مرز خشونت، س.م. حسینی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز ۱۳۸۹.

مسلمانان بود. بنابراین، در این مقطع دخالت قدرت‌های غربی و پشتیبانی آن‌ها از گروه‌های افراطی و همچنین حمایت‌های عربستان سعودی از ترویج وهابیت در این مناطق، تفکرات افراطی را اشاعه داد. اشتباه کشورهای تازه استقلال یافته از جمله جمهوری آذربایجان در مخالفت با دین و تأکید بر نظام غیردینی، فضای مناسبی را برای رشد افراط‌گرایی فراهم نمود. وقتی جمهوری آذربایجان به عنوان دومین کشور شیعه جهان، گروه‌ها و روحانیون شیعی را محدود نمود، سرمایه‌گذاری برخی کشورهای عربی برای ترویج وهابیت و سلفی‌گری، باعث رشد و تقویت این جریان در منطقه قفقاز شد. در برخی مناطق آذربایجان و جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه از جمله تاتارستان، چچن و داغستان، مردم به دلیل فقدان دانش مذهبی، اسلام را از طریق جریان‌های مذهبی انحرافی و از جمله سلفی‌گری آموختند و تحت نفوذ باورهای این جریان‌ها قرار گرفتند. البته در اکثر مناطق جمهوری آذربایجان که اسلام ریشه‌دار بود و مبانی تشیع از سوی روحانیونی که اکثراً در ایران تحصیل کرده بودند، ترویج می‌شد، شرایط متفاوت بود و مردم اعم از شیعه و سنی نسبت به پذیرش دیدگاه‌های جریان‌های افراطی تمایل زیادی نشان ندادند.

در روند رشد افراطی‌گری در قفقاز نمی‌توان نقش عوامل خارجی را نادیده گرفت. شواهدی دال بر این است که از چند سال پیش، با هماهنگی آمریکا و موافقت عربستان سعودی، طرح گسترش سلفی‌گری در آسیای مرکزی و قفقاز، به کشور قطر واگذار شده بود. هرچند عوامل سلفی‌گری در همه کشورهای منطقه فعالیت‌های زیرزمینی دارند، ولی وجود طرح‌هایی با سرمایه قطر، موجب شده تا زمینه اقدامات گسترده‌تر سلفی‌ها فراهم شود.^۱ البته نابسامانی‌های ابتدای فروپاشی شوروی را نیز می‌توان یکی از علل تحرکات مبلغان وهابی در منطقه قفقاز شمالی و جنوبی نامید.

^۱ افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز و بازتاب آن در تحولات منطقه، مصطفی قربانی، خبرگزاری فارس، ۰۸/۰۶/۹۳

برنامه‌های گروه‌های تکفیری در روسیه

گروه‌های تروریستی القاعده، جبهه النصره، داعش، الشباب و انصار بیت‌المقدس از جمله گروه‌های تروریستی فعال در قفقاز هستند که اندیشه‌های فرقه وهابی ریشه تفکرات آنان است. جمهوری‌های مسلمان‌نشین فدراسیون روسیه از جمله داغستان، چچن و تاتارستان، محل فعالیت گروه‌های تکفیری بوده و قفقاز شمالی هدف اول گروه‌های تندرو می‌باشد. این گروه‌ها در مسیر اعمال فشار بر روسیه برای تغییر سیاست‌های خود در سوریه، به دنبال بی‌ثبات‌سازی جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه می‌باشند. برنامه گروه‌های تندرو نظیر داعش این است که با ایجاد ارتباط با مسلمانان روسیه و جذب آنان، زمینه اعزام افراد آموزش دیده به سوریه و عراق را فراهم نمایند. سامانه اینترنتی گلوبال ریسرچ سال ۲۰۱۶ در گزارشی اعلام کرد، شواهد حاکی از حضور هفده هزار جنگجوی خارجی در جبهه نبرد سوریه است که در بین غیرعرب‌ها، چچنی‌ها اکثریت این افراد را تشکیل می‌دهند. همچنین بنا به گزارش شبکه المنار لبنان تا ۱۲ ژوئن ۲۰۱۳ قفقازی‌ها پس از اتباع عربستان و مصر، سومین آمار بالای تلفات در سوریه را داشتند. گروه‌های تکفیری در قفقاز شمالی از چچنی‌های اروپایی هستند که خانواده‌های آن‌ها در خلال جنگ‌های اول و دوم چچن در طول دهه نود و اوایل قرن حاضر، موطن خود را ترک کرده‌اند. به گفته " الکساندر بورتنیکوف " رئیس سازمان فدرال امنیت روسیه، حداقل ۱۷۰۰ نفر از شهروندان روسیه در صفوف داعش در جنگ بودند.^۱

سامانه اینترنتی صدای روسیه در تاریخ چهارم مارس ۲۰۱۵ طی انتشار گزارشی اعلام کرد: "به ارزیابی الکساندر بورتنیکوف، رئیس سازمان فدرال امنیت روسیه حداقل ۱۷۰۰ نفر از شهروندان روسیه در صفوف «داعش» در حال جنگ بودند. فقط از جمهوری کاباردینو - بالکاری تا اواخر دسامبر سال ۲۰۱۴ میلادی از ۸۵ تا ۱۵۰ نفر از اهالی این جمهوری راهی سوریه شدند. به گفته ارگان انتظامی جمهوری چچن، دهها نفر از ساکنان جمهوری نیز در صفوف «داعش» در حال جنگ هستند. «داعش» نیز این واقعیت را مورد تأیید قرار می‌دهند که شهروندان جمهوری‌های قفقاز شمالی نیز در صفوف آنها می‌جنگند. به گفته ابو

^۱ردپای داعش، از خاورمیانه تا آسیای میانه، عبدالمعین معین، شفقنا، ۱۳۹۳.

عمر چچنی فرمانده صحرایی که اهل چچن است «تعداد چچن‌هایی که در جنگ بر ضد بشار اسد کشته شدند ۵۰۰ نفر بودند». دسته چچنی تحت پرچم «داعش» از ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر قفقازی تشکیل شده بود. تارخان باتیراشویلی، فرمانده صحرایی دیگر «داعش» نیز از وجود قفقازی‌ها در صفوف داعش» تعریف کرد. ۳۰ ماه ژانویه سال ۲۰۱۵ میلادی دادگاه عالی روسیه از رسیدگی به ۵۸ پرونده جنایی در رابطه با شهروندان روسیه به «اینترفاکس» خبر داد که در درگیری‌های جنگی در سوریه به طرفداری از «داعش» شرکت داشتند.

فعالاً بازگشت شبه نظامیان از سوریه به روسیه مشاهده نمی‌شود. تأثیر ایدئولوژیک «داعش» بر ساکنان قفقاز شمالی تا حد زیادی محسوس است. درگیری‌های موجود در جمهوری‌های قفقاز شمالی که زیاد شدید نیستند تحت تأثیر شعارهای جدید ایدئولوژیک «داعش» از نو نیرو می‌گیرند. «داعش» ایدئولوژی خلیفه واحد در اراضی فدراسیون روسیه را رواج می‌دهد. ۱۹ دسامبر سال ۲۰۱۴ میلادی در سایت «یو تیوب» پیام ابو محمد «امیر داغستان» منتشر شد که اعلام کرد نسبت به رهبر «داعش» سوگند وفاداری یاد می‌کند. حتی در روستای زادو بومی رمضان قدیروف رئیس جمهور چچن و در گروزی عکس‌های نشان‌های داعش ظاهر شده است. مقامات و سرویس‌های ویژه به مقابله با این گرایش برخاستند و دست به کارهای پیشگیری زدند. اما موفقیت این اقدامات مشخص نیست. به عنوان مثال، در چچن در این اواخر عملیات دستگیری جوانانی انجام می‌شود که ریش می‌گذارند ولی سبیل‌هایشان را می‌تراشند که نشانی از «وهابیت» است. رسانه‌های محلی گزارش می‌دهند که جوانان با ظاهر وهابیون را به وزارت کشور می‌برند و در آنجا گفتگوی توضیحی با شرکت روحانیون با آنها صورت می‌گیرد. از ۱۶ ماه فوریه سال جاری در سایت ریاست جمهوری چچن ۴ بار خبری درباره برنامه‌های رسمی ویژه مبارزه با افراط‌گرایی در بین جوانان منتشر شد. ۲۵ ماه فوریه رمضان قدیروف رئیس جمهور چچن در جلسه‌ای با مسئول وزارت کشور جمهوری از جایز نبودن رواج ایدئولوژی وهابیت در بین جوانان صحبت کرد. وی متذکر شد که در جمهوری چچن نباید حتی یک نفر طرفدار سازمان تروریستی داعش و یا دیگر گروه‌های رادیکال وجود داشته باشد. ولادیمیر پاپوف کارشناس

علم تاریخ و استاد دانشگاه نظام معتقد است که روسیه از عهده بستن کانال‌های تأثیر ایدئولوژیک اسلام رادیکال بر ساکنان مسلمان قفقاز شمالی برمی‌آید و می‌تواند مانع از ورود جوانان به سازمان تروریستی داعش شود. به عقیده وی "کارها باید بطور ضربتی و همه‌جانبه انجام شوند و البته با حمایت اجتماعی ساکنان و از طرف دولت و روحانیت سنتی مسلمانان تحکیم یابد"^۱.

در سال‌های اخیر بازگشت تروریست‌های تکفیری از سوریه به روسیه بسیار اندک است و سیاست مقابله با تروریست‌ها، یکی از اهداف حملات هوایی روسیه به سوریه است که از ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۵ میلادی آغاز شده است. اهداف گروه‌های تکفیری در روسیه عبارتند از:

۱- جذب نیرو- جذب نیرو از منطقه قفقاز بخصوص جمهوری‌های مسلمان‌نشین روسیه، و اعزام آنان به عراق و سوریه مورد توجه گروه‌های تکفیری قرار داد. آن قبیل از جوانان سنی در چچن و داغستان که دارای انگیزه‌های مبارزاتی هستند، اولین طعمه‌های داعش و النصره می‌باشند. سلفیون و عناصر تکفیری غیر عرب مانند افغان‌ها که از تجربه نظامی خوبی در جنگ‌های سابق در افغانستان برخوردار هستند، مستعد برای پیوستن به گروه‌های تکفیری محسوب می‌شوند. برابر اطلاعات به دست آمده، مکالمه بی‌سیم میان داعشی‌ها بیشتر به زبان‌های عربی و افغانی و روسی بوده است. گروهک‌های تروریستی پس از جذب و ساماندهی، این افراد را از طریق ترکیه در مناطق مختلف سوریه و عراق مستقر می‌کنند. گروه داعش برای حفظ نیروهای خود پس از تصرف برخی از شهرها، نیروهای جذب شده از قفقاز را به عنوان امیر و فرمانده در این شهرها برای اداره امور منصوب می‌نمایند. نیروهای جذب شده دارای علایق مختلف هستند، برای مثال بخشی از آن‌ها با میل و انگیزه بالا با داعش همراهی می‌کنند. گروهی دیگر تحت تأثیر احساسات خود وارد این عرصه شده و پس از فروکش کردن احساسات، از کار خود پشیمان شده و تنها از بیم جان خود با گروه‌های تروریستی همکاری می‌کنند. برخی نیز به تشکیل خلافت اسلامی با مرکزیت عراق دل بسته‌اند. البته انگیزه‌های مالی یکی از علل اصلی پیوستن اکثر این افراد به تکفیریون می‌باشد. در واقع هر یک از اعضای جریان سلفی‌گری به صورت ماهیانه حمایت

^۱ داعش تهدیدی برای قفقاز شمالی، صدای روسیه، چهارم مارس ۲۰۱۵.

مالی می‌شوند که این امر زمینه جذب مردم گرفتار در مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی منطقه به این جریان را افزایش داده است. همچنین جریان‌های افراطی مذهبی در روسیه، از حضور میلیونی مهاجرین کارجوی ترک و آذری زبان، سوء استفاده‌های لازم را می‌برند. به‌گونه‌ای که در حال حاضر بخش قابل‌توجهی از مهاجرین کارجوی آذری تحت نفوذ سلفی‌ها قرار گرفته‌اند.

۲- حذف فیزیکی مخالفین بخصوص علما و روشنفکران مخالف وهابیت، یکی از ترندهای گروه‌های تکفیری برای تثبیت حضور خود در قفقاز بوده است. برای نمونه محمد حاجی ابوبکراف، مفتی اعظم داغستان که از مخالفان کلیدی وهابی‌ها بود، در تاریخ ۲۱ اوت ۱۹۹۸ توسط عوامل وهابی ترور شد. متعاقباً در سال ۲۰۱۲ بیش از ده نفر از علمای مسلمان ترور شدند. در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۲ "سعید آتسایف"، بزرگ‌ترین رهبر متصوفه داغستان و جانشین مفتی ابوبکراف، با عملیات انتحاری یک زن اوکراینی‌الاصول از عوامل امارت قفقاز، کشته شد که این مهمترین اتفاق در عرصه عملیات تروریستی در قفقاز تلقی شد.^۱

۳- در زمینه فرهنگی مبلغان سلفی، برای تضعیف باورهای دینی مسلمانان و جذب آنان به وهابیت، اسلام سنتی در داغستان را زیر سؤال برده و عبادت‌های مردم بومی را غلط می‌خوانند. آیین‌های مذهبی‌شان را پر اشکال دانسته، گرامیداشت اولیاء و سوگواری‌ها برای درگذشتگان را شرک‌آلود خوانده و سبک زندگی سلفی را برای مردم تجویز می‌کنند. وهابی‌ها همچنین از ناآگاهی مردم نسبت به تفاوت‌های تشیع و تسنن، سوءاستفاده کرده و به ایجاد تفرقه و ضدیت اهل سنت با شیعیان دامن می‌زنند. تکفیریون در قالب موسسه‌های به اصطلاح اسلامی بین‌المللی، سعی در جذب افراد مستعد دارند. فعالیت‌های «مجمع جهانی جوانان مسلمان» که دفتر مرکزی آن در عربستان سعودی قرار دارد، موسسه سعودی «الحرمین»، موسسه خیریه «ابراهیم الابراهیم» در این عرصه قابل توجه است. نکته مهم اینکه سلفی‌ها از فساد موجود در سطوح مختلف حاکمیتی جمهوری‌های قفقاز

۱- دوئل سرنوشت؛ رویارویی اسلام سنتی و سلفی‌گری افراطی در قفقاز شمالی، بنیاد مطالعات قفقاز، مهدی حسینی تقی‌آباد، ۹ تیر ۱۳۹۳.

شمالی و محدودیت‌های ایجاد شده توسط تصمیم‌گیران در مسکو نسبت به مسلمانان، بهره‌برداری کرده و با انتقاد از دولت مسکو، به جذب اقشار ناراضی و آسیب‌پذیر می‌پردازند. تغییر دادن آرمان استقلال‌طلبی ملی جدایی‌طلبان چچنی در جنگ اول به وهابی‌گری ستیزه‌جو در جنگ دوم و از سال ۲۰۰۷ به این سو تشکیل امارت خودخوانده اسلامی قفقاز، نشانگر موفقیت وهابی‌ها در قفقاز شمالی می‌باشد. به دنبال این تحول، نیروهای امارت قفقاز در سال ۲۰۱۲ سر از میدان جنگ در سوریه درآوردند و بخشی از آن‌ها به سرکردگی ابو عمر چچنی با ابوبکر البغدادی رئیس داعش بیعت کرده و ابو عمر چچنی چند صباحی ریاست بخش شمالی داعش را در سوریه عهده‌دار شد.

جمهوری آذربایجان و گروه‌های تکفیری

جمهوری آذربایجان به دلیل داشتن ۳۹۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری‌های خودمختار و مسلمان‌نشین روسیه، یکی از مکان‌های مناسب برای رشد گروه‌های تروریستی با اندیشه‌های وهابی می‌باشد. بروز وهابیت و ایدئولوژی تکفیری در جمهوری آذربایجان به اوایل دهه نود قرن گذشته میلادی و بدو استقلال ملی این کشور بر می‌گردد. در زمان شوروی سابق، مردم مسلمان جمهوری آذربایجان که هشتاد و پنج درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، درباره وهابیت و ایدئولوژی تکفیری آن، فاقد اطلاعات کافی بودند. لذا پس از فروپاشی شوروی سابق و نابودسازی محدودیت‌های ارتباط با کشورهای خارجی که حکومت شوروی سابق در جمهوری‌های در قلمروی خود اعمال کرده بود، شرایط برای نفوذ جریان‌های دینی مختلف از جمله ایدئولوژی تکفیری در جمهوری‌های قفقاز از جمله آذربایجان فراهم شد.

دولت نوپای جمهوری آذربایجان که در بدو استقلال ملی خود با مشکلات عدیده‌ای ناشی از تجاوز نظامی ارمنه علیه این کشور و نیز وضعیت اقتصاد نابسامان روبرو بود، به پی آمدهای نفوذ ایدئولوژی تکفیری در این کشور بی توجه بود. حاکمیت آذربایجان بعد از استقلال این کشور راه کمونیست‌ها را ادامه داد و در قانون اساسی جدید، مسئله لائیک بودن کشور و جدایی دین از سیاست گنجانده شد. در این مقطع، مقامات جمهوری

آذربایجان به دلیل نگرانی از رشد اسلام سیاسی در کشور که ریشه در آموزه‌های شیعی داشت، دست مبلغان اهل سنت و بخصوص وهابیون را برای جلوگیری از رشد اسلام سیاسی باز گذاشتند. برخی از سیاست‌سازان آذربایجان این‌گونه فکر می‌کردند که شیعیان آذربایجانی را باید سرگرم مناقشه فرهنگی با وهابیون نمود تا از ترویج اسلام سیاسی منحرف شوند. برخی کارشناسان نیز ترس کاذب دولتمردان آذربایجان از شیعیان را در نگرانی آنها از صدور انقلاب اسلامی ایران می‌دانند. بر این اساس مقامات باکو تصور می‌کردند که شیعیان آذری به تأسی از ایران قصد دارند در جمهوری آذربایجان، انقلاب اسلامی برپا کنند.

بنابراین دولتمردان آذری با رویکردهای امنیتی و نگرانی کاذب از وقوع انقلاب اسلامی، دست وهابیون را برای تداوم تبلیغات در جمهوری آذربایجان باز گذاشته و زمینه را از هر جهت برای رشد فرقه‌های افراطی فراهم ساختند. این‌گونه بود که به تدریج وهابیت در آذربایجان با کمک برخی از دولت‌های عربی به ویژه عربستان سعودی شکل گرفت. از طرفی با توجه به روابط پیدا و پنهان فرقه وهابیت با آمریکا و اسرائیل، رشد هر چه بیشتر وهابیت، زمینه‌های لازم جهت افزایش بهره‌برداری‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و... آنان را در آذربایجان فراهم می‌کرد و در واقع رشد وهابیت حمایت آمریکا و اسرائیل را نیز به همراه داشت.

در این برهه، برخی از کشورهای عربی و نهادهای طرفدار وهابیت در ترکیه نیز از این فرصت استفاده کرده و با تأسیس تشکل‌های باصطلاح بشردوستانه و به بهانه کمک به آوارگان جنگی، مروج تفکر وهابیت شدند. وهابیان از سال ۱۹۹۷ پایگاه‌هایی در آذربایجان تأسیس کرده و با ساخت و نفوذ در مساجد به تبلیغ عقاید خود پرداختند. مسجد ابوبکر، بزرگ‌ترین مسجد وهابی در آذربایجان، به ریاست "قامت سلیمان‌اف"، با کمک مالی یکی از بنیادهای خیریه کویتی در سال ۱۹۹۸ در باکو احداث شد. البته با جدی شدن خطر گسترش وهابیت در آذربایجان خانواده‌های آذری نسبت به این مسجد حساسیت پیدا کرده و این مسجد تعطیل شد.^۱

^۱ اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان؛ ماهیت و چشم‌اندازها، رحمت‌الله فلاح، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانش‌نامه انقلاب اسلامی، ۹۴/۱۲/۱۴.

متعاقباً مبلغان چند کشور عربی از جمله عربستان، امارات متحده، کویت و قطر در پوشش کارهای خیریه، با حضور در میان افراد مهاجر و جنگ‌زده و اقشار ضعیف حاضر، به آموزش آنان پرداخته و افراد مستعد را برای انجام تحصیلات دینی به کشورهای خود اعزام کردند. پیروان فرقه وهابیت، با نیت گسترش نسل وهابی‌ها، سیاست ازدواج مصلحتی با دختران بومی این مناطق را در پیش گرفتند. هدف از این اقدام، جذب دختران آن مناطق به فرقه وهابیت و زاد و ولد برای افزایش نسل بود. برخی خانواده‌های آذری که دختران آنان به عقد وهابی‌ها درآمده بودند با مشکل اختلاف عقیده داماد و ایجاد محدودیت برای تماس دختر با والدین مواجه شدند. آقای محسن صمد اف رهبر حزب اسلامی آذربایجان نیز در واکنش به ازدواج‌های مصلحتی، با موضع‌گیری در این خصوص گفت: افکار وهابیت با سرمایه‌های عربستان در آذربایجان در حال گسترش است.^۱

حمایت کشورهای عربی از سلفیان و وهابیون در آذربایجان، با هدف کادر سازی و اعزام آنان به سوریه و عراق انجام می‌شد. وهابیون بیشتر از مناطق شمالی آذربایجان که با روسیه هم مرز بوده، فعالیت خود را شروع کرده و افراد مستعد را برای خدمت در گروه‌های تکفیری استخدام و از طریق ترکیه به سوریه و عراق اعزام کردند. در واقع ترکیه نیز علیرغم پایبندی به اصول سکولاریسم، به عنوان محلی برای انتقال وهابیون آذری به سوریه تبدیل گردید. تعداد سلفی‌ها در جمهوری آذربایجان که تقریباً ۵۰ هزار نفر هستند به چهار گروه به اسامی خوارج امروز، جماعت هجرت، تکفیر و اخوان تقسیم می‌شوند و برای جذب جوانان جهت اعزام آنان به سوریه فعالیت می‌کنند. آخرین آمارهای اعلام شده از سوی مقام‌های جمهوری آذربایجان، نشان می‌دهد که در مجموع حدود هفتصد شهروند این کشور، به گروه تروریستی داعش در سوریه ملحق شده‌اند. در ماه دسامبر سال ۲۰۱۵ شبکه تلویزیونی آینس گزارشی تکان دهنده از چگونگی اعزام وهابیون از جمهوری آذربایجان به سوریه پخش کرد. این گزارش نشان می‌داد که گروه‌های تکفیری برای انجام اقدامات تروریستی علیه دولت و ملت سوریه، اتباع آذربایجان را از مناطق زاگاتالا و گوسار در همسایگی داغستان، از طریق ترکیه به داخل خاک سوریه هدایت می‌کنند.^۲

^۱ یورش وهابیون با استراتژی ازدواج مصلحتی به جمهوری آذربایجان، تابناک، ۲۷، خرداد ۱۳۸۹.

^۲ پشت پرده اعزام اتباع جمهوری آذربایجان به سوریه، علی آذری، سایت بادکوبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲.

سلفی‌ها در جمهوری آذربایجان، وارد عرصه‌های اقتصادی نیز شدند و با حضور در بازارها، فروشگاه‌ها، صرافی‌ها و شرکت‌های ارائه خدمات، فعالیت تجاری داشتند. این امر زمینه جذب مردم گرفتار در مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی منطقه به این جریان را افزایش داد. بنابراین مبلغین فرقه وهابی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای فعال شده و حتی در اظهارات خود، جمهوری آذربایجان را جای مناسبی برای تأسیس حکومت موردنظر خود قلمداد می‌کردند.^۱

این روند تا زمان شروع بحران در سوریه ادامه داشت و باکو ابتدا نسبت به پیوستن اتباع خویش به گروه‌های تکفیری بی‌تفاوت بود تا اینکه اعضای آذری داعش، الهام علی یف را به عنوان غاصب معرفی نموده و اعلام داشتند که دولت باکو را سرنگون خواهند نمود. این تهدید داعش حاکمیت باکو را به خود آورد و دولت آذربایجان پی برد که رشد وهابیت، منجر به کاهش میزان امنیت کشور می‌گردد و با خاتمه بحران سوریه تروریست‌های آذری بعد از بازگشت به موطنشان مشکلات امنیتی برای آذربایجان ایجاد خواهند کرد.

این وضعیت موجب شد که مقامات فرهنگی و امنیتی جمهوری آذربایجان نسبت به فعالیت‌های گروه‌های افراطی، حساس شده و به خوبی متوجه شدند که ادامه فعالیت وهابیون و سلفی‌ها می‌تواند در درازمدت حاکمیت جمهوری آذربایجان را با چالش‌های جدی مواجه کرده و حتی به بی‌ثباتی کشور منجر شود. در واکنش به این تحرکات، علمای دینی، نمایندگان مجلس و جوامع روشنفکری جمهوری آذربایجان، وهابیت را به عنوان یک تهدید برای آینده کشور مطرح و خواهان مقابله با آن شدند. در نخستین اقدام، اداره مسلمانان قفقاز مهمترین نهاد آذری در عرصه مذهبی و آقای الله شکور پاشازاده، شیخ‌الاسلام جمهوری آذربایجان و رئیس اداره مسلمانان قفقاز، با صدور بیانیه‌ای از تلاش‌های هدفدار برای القای تفکرات تحریف شده در باره ارزش‌های مقدس اسلامی چون جهاد و شهادت در جامعه جمهوری آذربایجان ابراز تأسف کرد. آقای پاشازاده در این بیانیه از اینکه مشارکت برخی شهروندان آذری در مناقشات مسلحانه در سایر کشورها، به عنوان جهاد قلمداد می‌شود، ابراز ناراحتی کرد. اداره مسلمانان قفقاز ضمن محکومیت شدید

^۱ داعش و وضعیت آینده تدروی در قفقاز - گفتگو با محسن پاک آیین، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵.

گروه‌های افراطی همچون وهابیون و سلفی‌ها که در آذربایجان فعال هستند، از روحانیون کشور خواست که در خطبه‌های خود پیرامون این وقایع جوانان را روشن کنند. مجلس ملی آذربایجان نیز قانونی وضع کرد که بر اساس آن، فعالیت فرقه وهابی از آن جا که باعث تفرقه دینی می‌شود، قابل پیگرد قانونی بوده و دولت آذربایجان می‌تواند فعالیت این جریان‌ها را غیرقانونی اعلام و متوقف سازد. عملیات مسلحانه ارتش جمهوری آذربایجان علیه اعضای جماعت قفقاز نشان داد که، باکو نه در حرف بلکه در مقام عمل هم برای مبارزه با تروریسم مصمم است. سه تن از اعضای این گروه موقع بازگشت از سفر ترکیه در جاده باکو-الت در محاصره مأموران امنیتی گرفتار شدند که در نتیجه شلیک نیروهای امنیتی دو تن از تروریست‌ها به نام‌های قلی یف و رستم اف کشته و سومین تروریست بنام گل محمد اف هم بازداشت شد.^۱ اعضای جماعت قفقاز درصدد تشکیل شاخه یک گروه تروریستی در آذربایجان بوده و از طریق شبکه‌های اینترنتی با تروریست‌های خارجی ارتباط داشتند. محاکمه تعداد زیادی از پیروان ایدئولوژی تکفیری که پس از مشارکت در درگیری‌های نظامی در سوریه و عراق به جمهوری آذربایجان بازگشتند و نیز عملیات ضد تروریستی سرویس امنیت دولتی نشان داد، دولت باکو متوجه تهدیدات ناشی از افراط‌گرایان برای آینده جامعه این کشور بوده و عزم جدی برای مقابله با آنها دارد. همزمان جمهوری آذربایجان آمادگی خود برای همکاری با کشورهای همسایه جهت مقابله با افراطی‌گری و فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه را اعلام کرد. در زمینه فرهنگی نیز به تدریج به این جمع‌بندی رسید که بهترین و عملی‌ترین راه مبارزه با تهدیدهای افراط‌گرایانه، توجه به آموزه‌های تشیع به عنوان یک تفکر منطقی و معتدل است. شیعیان جمهوری آذربایجان، جمع کثیری از اهل سنت و گروه‌های لائیک با رشد افراط‌گری دینی در کشور خود مخالف هستند و از این پدیده منفی استقبال نمی‌کنند. آنان به این باور رسیده‌اند که جریان‌ها و حرکت‌های افراطی، که به نام اسلام فعالیت دارند، برای رسیدن به مقاصد نادرست خود درصدد فریب جوانان هستند. واقعیت این است که در شرایط کنونی نیز شیعیان، مانع

^۱ تحلیلی بر چرایی تصمیم دولت باکو برای مبارزه با وهابیت در آذربایجان، علی حیدری منور، پایگاه اطلاع رسانی آران مغان، ۱۳۹۵/۸/۱۶.

بزرگی بر سر راه قدرت گرفتن وهابی‌ها در این کشور هستند و با وجود تبلیغات گروه‌های افراطی، اکثر سنی‌های جمهوری آذربایجان با شیعیان ارتباط و همبستگی نزدیکی دارند و این امر مانعی برای نزاع مذهبی در جمهوری آذربایجان می‌باشد.

اراده منطقه برای مبارزه با تروریسم

با توجه به تهدیدهای مشترک افراطیون در منطقه، همکاری کشورهای هم‌چون ایران، روسیه، جمهوری آذربایجان و حتی گرجستان، برای ریشه‌کن کردن این فرقه مورد مذاکره قرار گرفت. هر یک از این کشورها برای مبارزه با تروریسم انگیزه‌های خاص خود را داشتند. به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان به این باور رسیده که مبارزه با افراط‌گرایی، مستلزم همکاری‌های منطقه‌ای است و حفظ امنیت و ثبات کشور در سایه عزم ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با افراط‌گرایی ممکن خواهد شد. باکو یکی از عوامل رشد و گسترش تروریسم در منطقه قفقاز را آمریکا می‌داند. علی‌رغم دوستی باکو و واشنگتن، مقامات آذربایجان از اینکه آمریکایی‌ها درصدد بی‌ثبات کردن منطقه هستند ناراضی بوده و به این دلیل علاقه‌مندند با تهران و مسکو همکاری کنند. جمهوری آذربایجان که به تنهایی قادر به مبارزه با تروریسم نیست، آمادگی خود برای همکاری با کشورهای همسایه جهت مقابله با افراطی‌گری و فعالیت گروه‌های تروریستی در منطقه را بارها اعلام کرده است. ایران نیز به عنوان همسایه آذربایجان از رشد تروریسم در منطقه قفقاز جنوبی نگران بوده و می‌داند که شکل‌گیری مناطق تروریست‌پرور در نزدیکی مرزها، مشکلات امنیتی به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل ایران نیز موافقت خود برای مبارزه مشترک با تروریسم را اعلام داشته است.

روسیه که خود با تروریسم در منطقه قفقاز شمالی درگیر است، تمایل دارد در جهت مبارزه راسخ با تروریسم و رادیکالیسم دینی با ایران و جمهوری آذربایجان همکاری کند. روسیه می‌داند که حضور و رشد گروه‌های افراطی و تکفیری در قفقاز می‌تواند موجب تقویت آمریکا و ناتو در قفقاز گردد و آن‌ها به بهانه مقابله با تروریسم، حضور نظامی خود در منطقه را تقویت کنند.

همفکری این سه کشور موجب شد که در نشست روسای جمهور آذربایجان، روسیه و ایران در هجده مرداد ۱۳۹۵ در باکو، بر همکاری مشترک برای مبارزه با تروریسم در منطقه تأکید شود. در بیانیه پایانی این اجلاس هر سه طرف، قاطعانه تمامی اشکال و مظاهر تروریسم را محکوم کرده و اهمیت و مفید بودن رایزنی‌های دو و سه جانبه جهت بررسی اقدامات برای مقابله مؤثر با تروریسم را مورد توجه قرار دادند. همچنین ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان اعلام کردند که مصمم به مبارزه علیه تروریسم و افراط‌گرایی هستند و از جامعه جهانی خواستند تا در چارچوب نقش هماهنگ‌کننده و محوری سازمان ملل متحد، به تلاش مؤثر برای مقابله با این چالش‌ها و تهدیدات که علیه ثبات و امنیت بین‌المللی است، بپیوندند.^۱

در عین حال سه کشور با حضور فعال در اجلاس سازمان همکاری شانگهای در آستاراخان در تاریخ ۱۸ تیر ۱۳۹۴، بر ضرورت مبارزه با افراطی‌گرایی و تشکیل مراکز مقابله با تروریسم تصریح کرده و بر ضرورت پرداختن به فعالیت تروریست‌ها در حوزه فضای مجازی برای تبلیغ و عضوگیری، صحنه گذاردند.

البته کشورهایی که پدیدآورنده و تجهیزکننده گروه‌های افراطی نظیر داعش و النصره بوده‌اند، از اتحاد ایران، روسیه و جمهوری آذربایجان برای مقابله با تروریسم، ناخشنود بوده و سعی دارند موانعی بر سر راه این همکاری‌ها ایجاد کنند. ترکیه نیز به عنوان مسیر انتقال افراطیون به سوریه، روابط ایران و روسیه را تحت نظر داشته و سعی در ایجاد فاصله بین این دو کشور می‌نماید. کشورهای عربی بخصوص عربستان سعودی، روابط ایران و روسیه را به عنوان خطری برای خود پنداشته و با توجه به سابقه و پیشینه روابط با آمریکا و اروپا، سعی دارند آنان را نیز متقاعد کنند که توسعه همکاری ایران و روسیه از نظر امنیتی - نظامی، خطری جدی برای منطقه است. کشورهای عربی از این که توسعه روابط ایران و روسیه به تقویت توانمندی‌های نظامی ایران منجر می‌شود، نگران هستند. از سوی دیگر اتحادیه اروپا و آمریکا تلاش دارند روابط ایران و روسیه را برای امنیت منطقه مضر القا نمایند.

^۱ متن بیانیه پایانی نشست سران ایران، آذربایجان و روسیه، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۵/۱۸

نتیجه‌گیری

برای پاسخ به پرسش مقاله مبنی بر اینکه آیا کشورهای حوزه قفقاز نیز همانند کشورهای غرب آسیا، دستخوش درگیری با گروه‌های افراطی و تندرو خواهند شد و آیا منطقه قفقاز در آینده به یک منطقه بحران خیز تبدیل شده و محل جولان گروه‌های تروریستی تکفیری خواهد بود، باید به چند نکته توجه کرد. نخست اینکه افراطیون به میزانی که در خاورمیانه نفوذ کرده و موفق به نظر می‌رسند، در منطقه قفقاز حضور نداشته و موفق نبوده‌اند، این عدم توفیق به دلیل فضای متفاوت اجتماعی و فرهنگی قفقاز با خاورمیانه می‌باشد. قفقاز شمالی: داغستان، چچن، اینگوشیا و قره‌چای را در بر گرفته، و در قفقاز جنوبی یعنی جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان فضای اندکی برای فعالیت‌های وهابی‌گری و سلفی‌گری وجود دارد. شرایط لازم آن گونه که در خاورمیانه فراهم است، برای رشد تکفیری‌ها در قفقاز آماده نیست. در خاورمیانه گروه‌های تندروی وهابی و سلفی از سال‌ها قبل سرمایه‌گذاری کرده و نفوذ خود را روز به روز افزایش داده‌اند. اما در قفقاز زمینه لازم برای فعالیت آنان فراهم نبوده است. نکته دوم اینکه مقابله با تفکرات افراطی وهابیون در قفقاز بخصوص جمهوری آذربایجان، آسان‌تر از خاورمیانه است، تعداد وهابی‌ها در قفقاز و شعاع تفکرات آنان در قفقاز در مقایسه با کشورهای عربی و غرب آسیا، کمتر است. مسکو و باکو نیز به دقت تحرکات گروه‌های تروریستی را تحت نظر داشته و انگیزه قوی برای مقابله با افراطیون در قفقاز شمالی و جنوبی وجود دارد. نکته سوم اینکه مردم قفقاز بخصوص شیعیان جمهوری آذربایجان تحت تأثیر تبلیغات گروه‌های افراطی قرار نداشته و با رشد افکار آنان در کشور خود مخالف بوده و از این پدیده استقبال نمی‌کنند. برای مثال، وهابی‌ها در قفقاز و بویژه جمهوری آذربایجان در وضعیتی نیستند که دولت را با مشکل اساسی مواجه سازند و یا شرایط موجود شکل گرفته در این کشور را به هم بریزند، ولی ممکن است در آینده برخی کشورهای غربی که حامی تروریست‌های وهابی هستند، از اهرم افراطیون برای تحت فشار قرار دادن دولت‌های قفقاز جهت کسب امتیاز استفاده نمایند. بنابراین، پاسخ به پرسش اول این مقاله این است که کشورهای حوزه قفقاز به دلیل شرایط خاص خود همانند کشورهای غرب آسیا، دستخوش درگیری با گروه‌های افراطی و تندرو نخواهند شد و بعید است منطقه قفقاز در آینده به یک منطقه بحران خیز و محل جولان گروه‌های تروریستی

تبدیل شود. اما در پاسخ به پرسش دوم مقاله در مورد چگونگی مقابله دولت‌های منطقه با پدیده افراطی‌گری باید گفت: احتمال رشد گروه‌های تکفیری در قفقاز بستگی به رفتار دولت‌های منطقه در قبال مسلمانان این کشورها دارد. معمولاً گروه‌های تندرو در کشورهایی که فقر فرهنگی وجود داشته و مسلمانان با ترفندهای پنهان و هابیت آشنا نباشند، فضای لازم برای فعالیت پیدا می‌کنند. در مقطع فعلی ضروری‌ترین راه برای مبارزه با وهابیت، پاسخگویی به خلاء دینی به وجود آمده از دوران کمونیستی در این منطقه می‌باشد. بنابراین نهادهای دینی قفقاز باید طی همکاری با یکدیگر برای افزایش دانش دینی مسلمانان برنامه‌ریزی نمایند. برای مبارزه با وهابیت، بازگشت به هویت خویشتن برای مسلمانان بسیار مهم است و رشد اندیشه ناب اسلامی، می‌تواند به شناخت هویت مسلمانان قفقاز کمک نماید. مطلب دیگر اینکه به میزانی که سرکوب آزادی‌های اجتماعی و سیاسی و محدودیت‌ها برای مسلمانان افزایش یابد، به همان نسبت فضا برای فعالیت وهابیون بیشتر می‌شود. امروزه در کشورهای قفقاز و بخصوص جمهوری آذربایجان، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی احزاب اسلامی و گروه‌های مسلمان با محدودیت مواجه است و کشورها به بهانه سکولار بودن نظام حاکم، به تفکرات معقول و منطقی اسلامی اجازه فعالیت نمی‌دهند. این سیاست‌ها بطور طبیعی فضا را برای تندروی گروه‌های وهابی آماده می‌کند. در واقع سرکوب گروه‌های اسلامی مثل حزب اسلام در جمهوری آذربایجان، به طور طبیعی اقشار مسلمان از جمله جوانان را به سمت گروه‌های افراطی سوق داده و آنان را در مسیر تغییر دولت‌ها قرار می‌دهد. خشونت و اقدام مسلحانه واکنش به محدود کردن و سرکوب مسلمانان است.

وجود فقر و وضعیت ناخوشایند اقتصادی نیز یکی دیگر از دلایل رشد گروه‌های تروریستی در قفقاز است. در کشورها یا مناطق فقیر، بستر خوبی برای فعالیت افراط‌گرایان فراهم می‌شود و این گروه‌ها می‌توانند با پول‌هایی که از کشورهای عربستان، امارات و قطر می‌گیرند؛ تبلیغات خود را گسترش دهند که رشد افراط‌گرایی و گرایش به گروه‌های تندرو را تشدید می‌کند. اگر کشورهای قفقاز در سطحی مناسب از رفاه اقتصادی باشند می‌توانند از رخنه تفکرات وهابی در کشور خود جلوگیری کنند.

منابع و مأخذ

۱. رویارویی روسیه با چین: زندگی در مرز خشونت، س.م. حسینی، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، پاییز ۱۳۸۹
۲. افراط‌گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز و بازتاب آن در تحولات منطقه، مصطفی قربانی، خبرگزاری فارس، ۰۸/۰۶/۹۳
۳. ردپای داعش، از خاورمیانه تا آسیای میانه، عبدالمعین معین، شفقنا، ۱۳۹۳.
۴. داعش تهدیدی برای قفقاز شمالی، صدای روسیه، چهارم مارس ۲۰۱۵.
۵. دوئل سرنوشت؛ رویارویی اسلام سنتی و سلفی‌گری افراطی در قفقاز شمالی، بنیاد مطالعات قفقاز، مهدی حسینی تقی‌آباد، ۹ تیر ۱۳۹۳.
۶. اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان؛ ماهیت و چشم‌اندازها، رحمت‌الله فلاح، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۹۴/۱۲/۱۴.
۷. یورش وهابیون با استراتژی ازدواج مصلحتی به جمهوری آذربایجان، تابناک، ۲۷ خرداد ۱۳۸۹
۸. پشت پرده اعزام اتباع جمهوری آذربایجان به سوریه، علی آذری، سایت بادکوبه، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲.
۹. داعش و وضعیت آینده تندروی در قفقاز - گفتگو با محسن پاک آیین، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵.
۱۰. تحلیلی بر چرایی تصمیم دولت باکو برای مبارزه با وهابیت در آذربایجان، علی حیدری منور، پایگاه اطلاع‌رسانی آران مغان، ۱۳۹۵/۸/۱۶.
۱۱. متن بیانیه پایانی نشست سران ایران، آذربایجان و روسیه، دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵/۵/۱۸.
۱۲. وهابیت سیاسی، طاهره زارع زاردهی، موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، تهران، ۱۳۹۵.
۱۳. چالش‌های فکری و سیاسی وهابیت، اکبر اسدعلیزاده، سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی، تهران.
۱۴. داعش از کاشت تا برداشت، سیدمهدی نورانی، موسسه نشر شهید کاظمی، تهران، ۱۳۹۳.
۱۵. مخاطرات فعالیت جریان‌های تکفیری در منطقه، محمدعلی طالبی، معاونت برون‌مرزی صدا و سیما، ۱۳۹۴.
۱۶. اهداف جمهوری آذربایجان در روابط با کشورهای عربی، گفتگو با محسن پاک آیین، مرکز مطالعاتی صلح، ۱۳ تیر ۱۳۹۵
۱۷. جمهوری آذربایجان و توجه به آسیب‌های گروه‌های افراطی، گفتگو با محسن پاک آیین، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳/۳ ۱۳۹۲
۱۸. وهابیت معمای یک ایدئولوژی بسته، مرکز تحقیقات حج، تهران، ۱۳۹۲.
۱۹. موضع داعش در قبال شیعیان و ایران، محمدابراهیم نژاد، انتشارات دارالاعلام مدرسه اهل‌البیت(ع)، قم، ۱۳۹۳.

1. Fight against terrorism: Experience of Azerbaijan, Dr. Ahmad Shahidov, Tursam Center for Strategic Studies, 2.9.2013.
2. Shahin Abbasov, Azerbaijan: Baku Eyes Georgia Violence with Caution, Eurasianet, August 14, 2008.
3. Azerbaijan: Dubbing Critics as Islamic Extremists, Eurasianet, Durna Safarova, September 20, 2016.
4. World Public Opinion, "Public Opinion in the Islamic World on Terrorism, al-Qaeda, and the U.S. Policy," World Public Opinion, February 25, 2009.
5. Country Reports: Europe Overview, Chapter 2, U.S. State Department, 2015.